

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ صبور، خشم و هیاهو و میرامار

نسرین محمودی برمسی<sup>۱</sup>

مریم ایرجی<sup>۲</sup>

ژینوس شیروان<sup>۳</sup>

### چکیده

این مقاله، پژوهشی توصیفی - تحلیلی بر اساس نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی است که به بررسی استعاره‌های مفهومی حوزه خشم در سه اثر داستانی سنگ صبور (فارسی)، خشم و هیاهو (انگلیسی) و میرامار (عربی) می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند یکی از پرسامدترین حوزه‌های مبدا مشترک که هر سه نویسنده از آن برای بیان مفهوم انتزاعی خشم استفاده کرده‌اند استعاره خاص «خشم، شی و وسیله است» می‌باشد البته فقط با بودن یک حوزه‌ی مبدا مشترک نمی‌توان بطور قوی بر جهانی بودن استعاره‌های مفهومی تأکید کرد و تفاوت‌های موجود نشان‌دهنده فرهنگ ویژه بودن این استعاره‌های خاص است. اما در رابطه با استعاره‌های سطح عام در این داستان‌ها مشخص شد که هر سه نویسنده صادق چوبک و ویلیام فاکنر و نجیب محفوظ، بیشترین بهره را در حوزه خشم از استعاره عام «احساسات، شی هستند» برده‌اند و می‌توان گفت که در سطح استعاره‌های عام جهانی بودن استعاره‌ها قابل تأیید است.

**کلید واژه‌ها:** استعاره مفهومی، استعاره عام، خشم، چوبک، فاکنر، محفوظ

۱- دانشجوی دکترای زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

nasrin2002\_nmb@yahoo.com

۲- استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mirajil80@gmail.com

۳- استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. jinuss.shirvan@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۴

## مقدمه

تحقیقات در مورد استعاره مفهومی توجه زبان‌شناسان شناختی بسیاری را به خود جلب کرده‌است. آنها مدعی هستند که این حوزه می‌تواند بسیاری از پدیده‌های زبانی و شناختی انسان را توضیح دهد. اکنون ثابت شده است که بسیاری از جنبه‌های زبانی، از جمله اصطلاحاتی که قبلاً توسط زبان‌شناسان سنتی، اختیاری تلقی می‌شدند، نتیجه ساختارهای مفهومی هستند که مستقل از زبان وجود دارند (کیسر<sup>۱</sup> و بلی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). بر خلاف دیدگاه سنتی که فرض می‌کند استعاره از ویژگی‌های بلاغی زبان و گفتار است، عده‌ای از محققان شناختی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰؛ لیکاف، ۱۹۸۷؛ لیکاف و ترنر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹؛ لیکاف، ۲۰۰۸، موسلف<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱) استعاره را به عنوان موضوعی شناختی و مربوط به تفکر در نظر می‌گیرند. بنابراین، استعاره‌ها نه تنها در آثار ادبی و در گفتمان سیاسی، بلکه در زندگی روزمره نیز فراگیر هستند. از آنجایی که استعاره‌ها اساساً مفهومی هستند، نه تنها در زبان بلکه در تحقق‌های غیرزبانی مانند بازیگری، کاریکاتور، نقاشی، تبلیغات و غیره نیز متجلی می‌شوند. به عنوان مثال، یک فرد عصبانی ممکن است با بیرون آمدن دود از گوش‌هایش به تصویر درآید. چنین تصویری بر اساس استعاره مفهومی «خشم، سیال داغ در ظرف است» می‌باشد (کوچش، ۲۰۰۲: ۵۸). همین‌جا قابل ذکر است که محققانی مانند انسه<sup>۵</sup> (۲۰۱۰)، گلاتلی<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) و وریزبیکا<sup>۷</sup> (۱۹۹۸) نیز در این رابطه سخن گفته‌اند که نمودهای زبانی بیش از هر چیز تابعی از ویژگی‌های فرهنگی به شمار می‌روند و به این دلیل باید به اصطلاح «فرهنگ - ویژه» بودن برخی استعاره‌های مفهومی توجه خاص معطوف داشت. علت این امر آن است که در بررسی تفاوت و شباهت‌های استعاره‌ها این ملاحظات نقش مهمی ایفاء می‌کنند.

استعاره‌های مفهومی معمولاً از مفهوم ملموس تر به عنوان منبع و مفهوم انتزاعی تر به عنوان هدف خود استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، ما مفهومی انتزاعی را بر حسب چیزی که با آن آشنا هستیم

- 
- 1- Keysar
  - 2- Bly
  - 3- Turner
  - 4- Musolff
  - 5- Anshah
  - 6- Gellatly
  - 7- Wierzbicka

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ صبور... ۴۷

درک می‌کنیم. به عنوان مثال، در استعاره مفهومی «خشم آزار فیزیکی است»، «خشم» از طریق «درد و رنج فیزیکی» درک می‌شود، بنابراین می‌توانیم آن را با حواس خود احساس کرده و حتی ببینیم. استعاره‌ها آنقدر در زبان روزمره فراگیر هستند که تقریباً از وجود آنها بی‌خبر هستیم و به طور خودکار از آنها استفاده می‌کنیم. نگاشت‌های استعاری اختیاری نیستند، بلکه مبتنی بر تجربیات و دانش جسمانی و روزمره هستند. تجربه تجسم یافته ممکن است جهانی باشد، زیرا ما مکانیسم‌های بیولوژیکی مشابهی داریم، در عین حال درک جهان ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. بنابراین، نگاشت استعاری ممکن است تا حدی در جوامع گفتاری متفاوت باشد. برای درک کامل شناخت انسان، باید هم معنای فرهنگی و هم معنای تجسم یافته را در نظر گرفت (یو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۴۶).

از دیدگاه روانشناختی، این سوال که آیا احساسات جهانی هستند یا از نظر فرهنگی خاص هستند، جواب قطعی ندارد (بارت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). طرفداران جهانی بودن احساسات معتقدند که احساسات به طور ذاتی وجود دارند، بنابراین جهانی هستند. همه انسان‌ها قادرند بطور یکسان احساسات را تجربه و درک کنند (اکمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹). با این حال برخی از روانشناسان (مثل: لیندکوئیست<sup>۴</sup> و همکاران ۲۰۱۲)، معتقدند که احساسات ساخته اجتماع هستند و این احساسات با توجه به تجربه بدنی و هم‌چنین اجتماعی که با آن آشنا هستند، برای افراد معنا پیدا می‌کنند. خشم به عنوان یک احساس اساسی انسان، در چند دهه اخیر به طور فعال توسط زبان‌شناسان شناختی مورد تحقیق قرار گرفته است. از زمان انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم»<sup>۵</sup> (۱۹۸۰)، تحقیقات متعددی بر روی بررسی خشم از منظر شناختی در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف انجام شده‌اند.

### معناشناسی شناختی

معناشناسی شناختی کانون و شاخه اصلی زبان‌شناسی شناختی است. معناشناسی شناختی به بررسی رابطه بین تجربه، سیستم مفهومی و ساختار معنایی رمزگذاری شده توسط زبان می‌پردازد. به عبارت

---

1-Yu

2- Barrett

3- Ekman

4- Lindquist

5- Metaphors We Live By

خاصتر، محققانی که در معناشناسی شناختی کار می کنند، ساختار مفهومی (بازنمایی دانش) و مفهوم سازی (ساخت معنا) را بررسی می کنند. از دیدگاه معناشناسان شناختی، زبان دریچه ایست برای بررسی پدیده های شناختی. معناشناسی شناختی نیز همانند زبانشناسی شناختی بیشتر یک رویکرد است تا نظریه ای مفصل. از نظریه های مطرح در معناشناسی شناختی می توان به: آمیختگی مفهومی، استعاره مفهومی، معناشناسی چارچوب، فضاهاى ذهنی، و طرحواره های تصویری اشاره کرد.

### نظریه ی استعاره مفهومی

لیکاف و جانسون برای اولین بار نظریه استعاره مفهومی را در کتاب «استعاره هایی که با آنها زندگی می کنیم» (۱۹۸۰) مطرح کردند. نظریه استعاره مفهومی یکی از اولین چارچوب های نظری بود که در رویکرد معناشناسی شناختی مطرح شد و بسیاری از اصول بنیادین آن را که به رابطه بین زبان، ذهن و تجربه تجسم یافته می پرداخت در بر می گرفت. فرض اصلی نظریه استعاره مفهومی این است که استعاره صرفاً یک ویژگی سبکی زبان نیست، بلکه خود اندیشه اساساً ماهیت استعاری دارد. لیکاف و جانسون نشان دادند که استعاره، هم در فکر و هم در زبان روزمره ی انسان ها حضوری پر رنگ دارد (کوچش ۲۰۱۰: ۶). استعاره می تواند برای درک یک مفهوم انتزاعی تر (حوزه مقصد) از طریق یک مفهوم کمتر انتزاعی یا عینی (حوزه مبدا) استفاده شود. در بیان مفهوم استعاره مفهومی، دو حوزه و یک فرایند معرفی می شود. حوزه مبدا، حوزه مقصد و فرایند نگاشت. در واقع، استعاره روشی است که از طریق آن گذر از یک حوزه مفهومی به حوزه مفهومی دیگر صورت می گیرد و از طریق فرایند نگاشت، ویژگی های دو حوزه شناختی که در قالب استعاره به یکدیگر مربوط شده اند با یکدیگر تطبیق داده می شود. تناظرهای نظام مندی که میان حوزه مبدا و حوزه مقصد ارتباط برقرار می کنند، نگاشت نام دارند و فرمول هایی که براساس این تناظرها استخراج می شوند نام نگاشت نامیده می شوند. این نگاشت از آنجایی آغاز می شود که درک حوزه مبدا آسان تر است و می تواند مرجعی برای استدلال در مورد حوزه مقصد که درک آن دشوارتر است باشد.

### استعاره های سطح عام و سطح خاص

کوچش می گوید استعاره های مفهومی را می توان بر حسب سطح عمومیتی که در آنها یافت می شود رده بندی کرد (۷۸: ۱۳۹۶). طبق این گفته دو سطح عام و خاص برای استعاره های مفهومی در نظر

## استعاره مفهومی حوزه‌ی ششم در داستان‌های سنگ‌سور... ۴۹

گرفته می‌شود. استعاره‌های سطح خاص جزئیات بیشتر و مفصل‌تری دارند و در سطحی ویژه روی می‌دهند مانند استعاره‌های «زندگی سفر است» و «بحث جنگ است». اما استعاره‌های سطح عام، با ساخت‌های اسکلتی و با ویژگی‌هایی اندک تعریف می‌شوند؛ به‌عنوان مثال در استعاره سطح عام «رویدادها کنش هستند» به پدیده‌ای کلی اشاره می‌گردد که می‌تواند رویدادهای خاص‌تری مانند مردن، سوختن، مریض شدن را در برگیرد. بر اساس این توضیح مفاهیمی مانند رویداد، کنش، سطح عام و سطح خاص به باور کوچش از مفاهیم سطح عام هستند مثل استعاره‌های «**رویدادها کنش‌ها هستند**»، «**سطح عام، سطح خاص است**» و **استعاره‌ی زنجیره بزرگ**» (۱۳۹۶: ۷۹).

### استعاره رویداد - ساختار

مطالعه نگاشت‌های میان حوزه‌ای و استنتاج‌های حاصل از این نگاشت‌ها در معناشناسی شناختی، به رویدادها می‌پردازد. نظریه استعاره مفهومی به نظام عظیمی از استعاره‌های مفهومی به نام استعاره‌های «رویداد - ساختار» اشاره دارد که حوزه‌ی شناختی ما را می‌سازند. به عقیده‌ی لیکاف بر اساس استعاره‌های «رویداد - ساختار»، «حالت‌ها، تغییرات، فرآیندها، کنش‌ها، علل، اهداف و ابزارها از طریق استعاره و به صورت شناختی توسط مفاهیم فضا، حرکت و نیرو مفهوم‌سازی می‌شوند» (۱۹۹۳: ۲۲۰). نظام رویداد - ساختار از تجربه ما در مورد فضا، حرکت و نیرو استفاده می‌کند و به همین جهت استعاره‌ها «از تجربه بدنی روزمره ما پدید می‌آیند» (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۹: ۱۷۱). لیکاف و ترنر<sup>۱</sup> (۱۹۸۹: ۱۱۳) بر این باورند که فضاها، اشیاء، مواد و ظروف، به‌عنوان چهار مقوله‌ی مستقل معنایی در جهان، برای عینی کردن یا کمتر انتزاعی کردن مفاهیم انتزاعی به کار می‌روند. هم‌چنین لیکاف و جانسون (۱۹۹۹: ۱۷۹-۱۷۸) معتقدند که درک استعاره «رویداد - ساختار»، با توجه به دو استعاره اصلی آن که عبارتند از: استعاره «رویداد - ساختار مکان» و استعاره «رویداد - ساختار شیء» میسر می‌شود. این دو استعاره، استعاره‌های اولیه‌ای مثل «علت‌ها، نیرو هستند» و «تغییرات، حرکت هستند» را می‌سازند. با توجه به این که در این پژوهش به بررسی و اثبات جهانی بودن نظام استعاره‌ی شناختی در سه داستان به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی خواهیم پرداخت توجه ویژه‌ای به استعاره‌ی رویداد - ساختار و استعاره‌های زیرمجموعه آن شده است.

در سال‌های اخیر پژوهش‌ها و مطالعات بسیاری در رابطه با استعاره مفهومی در چارچوب زبان‌شناسی و معنی‌شناسی شناختی انجام گرفته‌است. پژوهش اخیر به مطالعه‌ی استعاره مفهومی حوزه خشم در سه اثر ادبی به زبان‌های فارسی «سنگ صبور»، انگلیسی «خشم و هیاهو»<sup>۱</sup>، و عربی «میرامار»<sup>۲</sup> پرداخته‌است. هدف از این پژوهش پاسخ دادن به سوالات زیر است:

۱. مفاهیم حوزه‌های مبدأ و پربسامدترین آن‌ها در استعاره‌های مفهومی حوزه‌ی خشم بر اساس داستان سنگ صبور، خشم و هیاهو و میرامار کدامند؟
  ۲. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین حوزه‌های مبدأ در داستان‌های سنگ صبور و خشم و هیاهو، سنگ صبور و میرامار، میرامار و خشم و هیاهو و هم‌چنین داستان‌های سنگ صبور و خشم و هیاهو و میرامار هست؟ چگونه می‌توان بر اساس این شباهت‌ها و تفاوت‌ها جهانی بودن یا فرهنگ ویژه بودن استعاره مفهومی حوزه خشم را نمایش داد؟
- برای پاسخ به سوالات فوق، بررسی پیشینه‌ی پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

### پژوهش‌های خارجی

کوچش (الف ۲۰۰۰) در مورد استعاره‌های مفهومی مربوط به احساسات چنین تاکید می‌کند «بیشتر مطالعات معناشناختی در زمینه مفاهیم عاطفی شاید مربوط به خشم باشد» (الف ۲۰۰۰: ۲۱). مفهوم انتزاعی خشم در مطالعاتی مثل: کوچش ۱۹۸۶، ۱۹۹۵، ب ۲۰۰۰، ۲۰۰۶؛ لیکاف ۱۹۸۷؛ گینز ۱۹۹۴؛ گیرارتس<sup>۳</sup> و گروندلرز<sup>۴</sup> ۱۹۹۵؛ آنژرر<sup>۵</sup> و اشمیت<sup>۶</sup> ۱۹۹۶؛ گوارت<sup>۷</sup> ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ و دیگر موارد مشابه دیده می‌شود. در پژوهش بررسی تطبیقی خشم در انگلیسی و چینی یو<sup>۸</sup> (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که هر دو زبان انگلیسی و چینی استعاره مفهومی «خشم آتش است»، را به دو شکل متفاوت بیان می‌کنند. زبان انگلیسی از مفهوم سیال<sup>۹</sup> برای بیان این استعاره استفاده می‌کند درحالی‌که در زبان چینی از گاز<sup>۱۰</sup>

---

1- Sound and Fury  
2- Miramar  
3- Geeraerts  
4- Grondelaers  
5- Ungerer  
6- Schmid  
7- Gevaert  
8- Yu  
9- Fluid  
10- Gas

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌صبور... ۵۱۱۱۱

استفاده می‌شود. ماتسوکا<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) مشاهده کرد که تمام استعاره‌های مربوط به حوزه مفهومی خشم در انگلیسی که توسط لیکاف و کوچش (۱۹۸۷) تحلیل شده‌است را می‌توان در ژاپنی نیز یافت. در عین حال، او اشاره می‌کند که عبارات متعددی مربوط به خشم در زبان ژاپنی وجود دارد که به مفهوم ژاپنی «هارا» (به معنی «شکم») که یک مفهوم مهم فرهنگی و منحصر به فرهنگ ژاپنی است محدود می‌شوند. زبان‌های انگلیسی و مجارستانی شباهت‌های قابل توجهی در استعاره‌های خشم دارند (کوچش الف ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵). یکی از تفاوت‌های جزئی این است که انگلیسی از کل بدن برای استعاره استفاده می‌کند، اما زبان مجارستانی «سر» را به عنوان ظرفی در نظر می‌گیرد که می‌تواند مایع داغ را در خود نگه دارد. سوریانو<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) مدل‌های استعاری خشم را در زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی بررسی کرد و دریافت که اشتراکات قابل توجهی در مدل شناختی خشم در هر دو زبان وجود دارد. با این وجود، تفاوت‌هایی در استعاره‌های فرعی خاص زبان یافت می‌شوند، که برخی از آن‌ها به دلایل فرهنگی ایجاد می‌شوند. برای مثال، انگلیسی‌ها برای خشم از مفهوم «پختن» و اسپانیایی‌ها تأثیرات خشم بر فرد را به صورت «سرخ کردن» تصور می‌کنند. اسنوا<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) با استفاده از رویکردی میان‌رشته‌ای بدن‌بال پاسخ به این سوال است که آیا انسان‌ها از دانش خود در زمینه‌های فیزیکی مثل تعامل با سایر موجودات زنده، برای درک خشم، ترس و اندوه استفاده می‌کنند یا خیر. پاسخ این سوال مثبت بوده و نشان می‌دهد که در سیستم مفهومی زبان انگلیسی استعاره‌های خشم، ترس و غم بر اساس این تجربیات دیده می‌شود. کنستانتینو<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی بر آن است تا از منظرشناختی و گفتمانی استعاره‌های مفهومی در حوزه مقصد خشم را در زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و یونانی مورد بررسی قرار دهد. تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق که برگرفته از متون تخصصی روانشناسی، روانپزشکی و روان‌درمانی است نشان می‌دهد که استعاره‌های مفهومی ابزار قدرتمندی برای متخصصانی هستند که سعی می‌کنند دیدگاهی جدید و علمی در مورد مفهوم انتزاعی خشم به خوانندگان خود ارائه دهند. آلبوفالاسا<sup>۵</sup> و ووروبوا<sup>۶</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی به تحلیل استعاره‌های مفهومی خشم در زبان‌های عربی،

- 
- 1- Matsuki
  - 2- Soriano
  - 3- Esenova
  - 4- Constantinou
  - 5- Albufalasa
  - 6- Vorobeva

روسی و انگلیسی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که زبان عربی بیشتر از دو زبان دیگر تمایل به استفاده از استعاره‌های مفهومی نشان می‌دهد. این مطالعه تأیید کرد که بافت فرهنگی نقش مهمی در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی داشته و هم‌چنین ثابت کرد که به دلیل محیط‌های فرهنگی متفاوت، برخی از استعاره‌ها ذاتاً منحصر به فرد هستند و تنها در یک زبان خاص می‌توانند وجود داشته باشند. چنین نتیجه گرفتند که استعاره‌های مفهومی خشم، مفهومی جهانی نیستند و خصوصیات فرهنگ-ویژه این مفهوم را در این سه زبان متفاوت می‌سازند. تران<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی استعاره‌ها و کنایه‌های خشم در اصطلاحات ویتنامی و انگلیسی پرداخت تا بتواند مدل‌های فرهنگی جوامع گفتاری این دو زبان را آشکار سازد. این پژوهش مشخص کرد که هر دو زبان خشم را براساس تجربیات تجسم‌یافته و هم‌چنین مدل‌های فرهنگی مفهوم‌سازی می‌کنند. شش استعاره مفهومی اصلی خشم در اصطلاحات ویتنامی شناسایی شدند. در حالی که انگلیسی‌ها بیشتر از کل بدن برای توصیف حالات عاطفی استفاده می‌کنند، ویتنامی‌ها مکرراً از اجزای بدن و اندام‌های داخلی استفاده می‌کنند. در ضمن ارزش‌های فنودالیستی ویتنامی و فرهنگ عامیانه نیز در این اصطلاحات استعاری و کنایه‌ای مشهود است. این موارد ناشی از تفاوت‌های فرهنگی موجود بین این دو زبان می‌باشد.

### پژوهش‌های داخلی

در پژوهشی، پیرزاد و همکاران (۱۳۹۱) به طبقه‌بندی و مقایسه عواطف در متون ادبی دو زبان فارسی و انگلیسی پرداختند. در استعاره‌های بررسی شده ۳ الگوی کاملاً یکسان، تا حدی یکسان و کاملاً متفاوت شناسایی شد. و مشخص شد که الگوی غالب در این پژوهش، الگویی کاملاً یکسان است یعنی بیشتر عبارات استعاری فارسی عواطف را می‌توان به معنای واقعی کلمه به انگلیسی و بالعکس بیان کرد و همان معنا و تأثیرات استعاری را ارائه کرد. نتایج این مطالعه و مفهوم جهان‌شمولی در مفهوم‌سازی‌ها بطور قابل ملاحظه‌ای نتایج مطالعات گذشته در مورد احساسات را تأیید کرد (کوچش، ۲۰۰۳، کوچش، ۱۹۹۰؛ بارسلونا و سورینا، ۲۰۰۴). هم‌چنین در طبقه‌بندی پنج احساس اصلی شادی، خشم، غم، ترس و عشق، مشخص شد که خشم بعنوان جهانی‌ترین احساس در رتبه اول و غم در مرتبه آخر قرار می‌گیرد. بررسی تطبیقی زبان انگلیسی و فارسی (عباسوندی و مقصودی، ۱۳۹۲) نیز ویژگی‌های



## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌صبور... ۵۳

جهانی استعاره‌های خشم را تایید می‌کنند. هر دو زبان استعاره‌های مفهومی مشترک خشم به عنوان سیال، خشم به عنوان گرما/حرارت، خشم به عنوان حریف و خشم به عنوان جنون دارند. البته، تفاوت‌هایی در نگاشت‌های خاص زبان نیز وجود دارند. به عنوان مثال، اثرات خشم بر فرد، که در انگلیسی به عنوان «بخار کردن» مفهوم‌سازی می‌شود، در فارسی دیده نمی‌شود. همچنین استعاره مفهومی «افزایش شدت عصبانیت باعث افزایش مایع است» در انگلیسی بسیار رایج است، اما در فارسی به ندرت دیده می‌شود. در پژوهشی که ساسانی و ملکیان (۱۳۹۳) در محدوده‌ی شهر تهران انجام دادند استعاره‌های استخراج‌شده شامل: خشم رفتاری حیوانی است، خشم موجودی ماورا الطبیعه است، خشم مانع است، خشم خرابی/ویرانی است، خشم فشار است، خشم آتش/گرما است، خشم آلودگی/نجاست است، خشم ماده‌ی درون ظرف است، خشم ماده‌ی خوراکی (بدمزه) است، خشم ماده‌ی مخدر است، خشم جنگ است، خشم بیماری/جنون است، خشم تغییر فیزیولوژیکی است، خشم حرکت نیمه‌ی دیگر است، خشم آلت تناسلی است، می‌باشد. نتایج بررسی این استعاره‌ها نشان می‌دهد که خرابی/ویرانی با بیشترین میزان فراوانی و پس از آن آتش/گرما، تغییر فیزیولوژیکی و رفتار/واکنش حیوانی، با نسبت فراوانی برابر، در جایگاه بعدی رایج‌ترین حوزه‌های مبدأ برای مفهوم‌سازی خشم در زبان فارسی (مختص شهر تهران) هستند. روحی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی پس از گردآوری عبارات استعاری حوزه مفهومی خشم، و پس از تحلیل و استخراج نگاشت‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها مشخص کردند که شباهت‌ها ریشه در تجربیات یکسان انسان‌ها از این حس، و تفاوت‌ها ریشه در نگاه متفاوت فرهنگی و انتظارات متفاوت هر زبان از اعضای خود دارد. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی استعاره‌های مفهومی حوزه خشم در آیین ضرب‌المثل‌های دو زبان فارسی و ترکی پرداختند. با استخراج استعاره‌های مفهومی مربوط به خشم مشخص شد در زبان فارسی پربسامدترین نگاشت‌نام «خشم آتش است» و در زبان ترکی «خشم نادانی/جهل است» می‌باشند. در رابطه با حوزه‌های مبدأ نیز پربسامدترین حوزه مبدأ که برای مفهوم‌سازی خشم به کار می‌رود، به ترتیب حوزه‌های مبدأ «روشنایی و تاریکی» در زبان فارسی و «انسان/بدن انسان» در زبان ترکی می‌باشند. نتیجه این پژوهش بیانگر این موضوع است که هر چند تقریباً گویشوران این دو زبان از یک الگوی واحد فرهنگی برای تولید استعاره خشم استفاده می‌کنند اما به نظر می‌آید تفاوت‌های فرهنگی باعث تولید نگاشت‌نام‌های متفاوت نیز شده‌است. محمدی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با استفاده از

نظریه شناختی کووچش به بررسی استعاره شناختی «خشم، گرما است» در زبان‌های فارسی و عربی می‌پردازد. بررسی تطبیقی عبارات شناختی این استعاره مفهومی نشان می‌دهد که بسیاری از جنبه‌های این استعاره‌ها مشابه و برخی دیگر متفاوت هستند. شباهت‌های بین آنها معمولاً از درک مشابه بدن انسان بر اساس تجربیات فیزیولوژیکی مشترک و هم‌چنین فرهنگ‌های فیزیکی مشابه ناشی می‌شود. تفاوت بین آنها ناشی از تفاوت در زمینه‌ها، مفهوم‌سازی با ریشه‌های مختلف، انواع دستوری این زبان‌ها و پسوندهای استعاری است.

### روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر دارای ماهیتی کیفی است و از نوع توصیفی تحلیلی به شمار می‌رود. در این تحقیق که به شیوه تطبیقی نظام یافته است به مقایسه و مقابله استعاره‌های مفهومی موجود در سه اثر ادبی از سه زبان پرداخته شده است. مقایسه برای یافتن شباهت‌ها و مقابله برای یافتن تفاوت‌ها انجام گردیده است. محدوده این پژوهش سه داستان معاصر از ادبیات فارسی، انگلیسی و عربی است. آثار انتخاب شده عبارتند از *سنگ‌صبور* نوشته صادق چوبک، *خشم و هیاهو* (Sound and Fury) نوشته ویلیام فاکنر و *میرامار* نوشته نجیب محفوظ. با هدف تمرکز بیشتر بر استعاره‌ها و بنابر محدودیت‌های موجود به منظور مقایسه بینا فرهنگی، در این پژوهش از روش جستجوی واژه‌های حوزه مقصد و مترادف آن‌ها با توجه به بافت زبانی مربوطه استفاده شده است. نمونه‌های دارای استعاره برای بررسی حوزه مبدأ و نام‌نگاشت‌های موجود از سه اثر استخراج شدند. برای استخراج کلید واژه‌های حوزه مقصد مفهوم خشم در زبان فارسی از فرهنگ جامع مترادف و متضاد زبان فارسی (خداپرستی، ۱۳۷۶) و در زبان انگلیسی از فرهنگ وبستر آنلاین و در زبان عربی از فرهنگ فرزانه (طیبیان، ۱۳۸۷) استفاده شد.

برای قانونمند کردن انتخاب عبارات استعاری و جهت جلوگیری از سوگیری‌های محقق، که بارها این سوگیری‌ها توسط محققانی مانند دیگنان<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) مورد انتقاد قرار گرفته است، از رویکرد گروه پراگ‌لجاز<sup>۲</sup>، یعنی روش شناسایی استعاره (MIP)<sup>۳</sup> (کریسپ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ استین، ۱۹۹۹)

---

1- Deignan

2- PragglejazGroup

3- Metaphor Identification Procedure

4- Crisp

5- Steen

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ صبور... ۵۵

استفاده شده است. در این پژوهش از رویکرد MIP برای شناسایی استعاره‌های زبانی و روش پنج مرحله‌ای استین (۱۹۹۹) برای استخراج استعاره‌های مفهومی استفاده شده است.

مراحل زیر برای شناسایی و استخراج استعاره‌های مفهومی بکار برده شد: ابتدا کل متن خوانده شد تا درک کاملی از معنای متن بدست آید. سپس واژه‌های مورد نظر مربوط به حوزه مقصد خشم (و مترادف‌های آن در هر سه زبان) مشخص شدند و بررسی شد که آیا این واژگان در متن دارای معنای غیر مستقیم هستند یا خیر. در جایگاه واژه مورد نظر دارای معنای غیر مستقیم بود از روش پنج مرحله‌ای استین (۱۹۹۹) برای شناسایی استعاره‌های مفهومی استفاده شد. این روش هم شامل شناسایی استعاره زبانی و هم چنین شناسایی استعاره مفهومی می‌شود که دارای مراحل زیر است: (۱) شناسایی تمرکز استعاری، (۲) شناسایی ایده استعاری، (۳) شناسایی مقایسه استعاری، (۴) شناسایی قیاس استعاری، (۵) شناسایی نگاشت استعاری

### سنگ صبور

در داستان سنگ صبور، پس از استخراج واژه‌های مترادف «خشم» از فرهنگ جامع مترادف و متضاد زبان فارسی (خداپرستی، ۱۳۷۶)، ۴۳ مورد استعاره مفهومی مربوط به حوزه خشم از متن داستان سنگ صبور شناسایی شد و مشخص گردید که نویسنده برای بیان مفهوم حوزه‌ی مقصد «خشم» از ۱۴ حوزه‌ی مبدا استفاده کرده است. که شامل شیئی یا وسیله با ۱۸ مورد استعاری، تغییر حالت بدن ۴ مورد، برتری اجتماعی مایع/ماده در ظرف، و ظرف ۳ مورد، آزار فیزیکی، ساختمان و دشمن در میدان نبرد با ۲ مورد استعاری و حیوان در بند، سفر، آلودگی، عضو بدن ظرف خشم، حیوان وحشی، فرد خشمگین ماشین در حال کار با یک مورد استعاری شناسایی شدند.

جدول ۱. حوزه‌های مبدأ (استعاره‌های) به کار رفته در داستان سنگ صبور برای بیان مفهوم حوزه‌ی مقصد خشم

حوزه مبدا	فراوانی	حوزه مبدا	فراوانی
ماده شیئی/ وسیله/ دارایی	۱۸	خشم ساختمان	۲
خشم تغییر حالت بدن	۴	خشم حیوان در بند	۱
خشم ظرف	۳	خشم سفر است.	۱
مایع/ ماده در ظرف	۳	خشم آلودگی	۱
خشم آزار فیزیکی	۲	عضو بدن ظرف خشم	۱
خشم یک دشمن در میدان نبرد	۲	فرد خشمگین یک ماشین در حال	۱

است	کار است.		
خشم برتری اجتماعی است.	خشم حیوان وحشی	۳	۱

در مقایسه با استعاره های شناسایی شده توسط کوچش که شامل: «خشم مایع داغ در ظرف است»، «خشم آتش است»، «خشم دیوانگی و جنون است»، «خشم دشمن در یک میدان نبرد است»، «خشم یک حیوان در بند است»، «خشم یک حصار است»، «رفتار خشمگین رفتار یک حیوان مهاجم است»، «خشم تجاوز است»، «خشم آزار فیزیکی است»، «خشم برتری اجتماعی است»، «خشم نیروی طبیعی است» و «فرد عصبانی ماشین در حال کار است» می شوند تعدادی از استعاره های نامبرده در استعاره های حوزه خشم داستان سنگ صبور دیده نمی شوند که شامل «رفتار خشمگین رفتار یک حیوان مهاجم است»، «خشم آتش است»، «خشم نیروی طبیعی است»، «خشم یک حصار است»، «خشم دیوانگی و جنون است» و «خشم تجاوز است»، هستند. هم چنین حوزه هایی مانند شی و وسیله، آلودگی، تغییر حالت بدن، ظرف، عضو بدن ظرف، نیروی مافوق الطبیعه، سفر، ساختمان و حیوان وحشی دیده می شوند.

در ادامه برای استعاره های خاص ذکر شده در جدول بالا مثال هایی آورده می شود:

استعاره خاص «خشم شی و وسیله است»: (۱) جهان سلطون با خشم چادر نماز بلقیس را می گیرد می کشد.

استعاره خاص «خشم مایع / ماده در ظرف است»: (۲) یک ذره از خشم من بچکد رو زمین تا گاوماهی را سوراخ می کند.

استعاره خاص «خشم تغییر حالت بدن است»: (۳) نگاه تنیدی بم کرد و زود پا شد و ایسا د و تسبیحش گندوشت تو جیش.

استعاره خاص «خشم ظرف است»: (۴) همش تو خشمه و بهمه چیز شک داره .

استعاره خاص «خشم یک دشمن در میدان نبرد است»: (۵) گوهر به شکل و لباس تابلو مریم و عیسی کار رافائل کاکل زری را در بغل گرفته با شتاب وارد می شود. خشمگین و آشفته است.

استعاره خاص «خشم آلودگی است»: (۶) حاج اسمعیل: با خنده خشم آلود

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌صبور... ۵۷

استعاره خاص «خشم آزار فیزیکی است.»: (۷) امیر در بستر بیماری است و نباید باخشم خود را بیازارد. من حامل پیغام خوشی از طرف خلیفه هستم

استعاره خاص «خشم ساختمان است.»: (۸) انوشیروان: با خشونت ساختگی

استعاره خاص «عضو بدن ظرف خشم است.»: (۹) نگاه تندى بم کرد و زود پا شد وایساد و تسبیحش گندوشت تو جیش

استعاره خاص «خشم حیوان وحشی است.»: (۱۰) زلیخا: درنده و خشمگین تو درگاهی سبز می شه

استعاره خاص «خشم سفر است.»: (۱۱) زروان، به خشم می آید. چرا اینچور با من حرف میزنی؟  
استعاره خاص «خشم برتری اجتماعی است.»: (۱۲) شایدم اصلا من احمد آقا نباشم و یکی دیگم.... این دس منه. هم می‌تونم بکشم، هم زنده‌ت بذارم. من خدای توام. منم قهار و بی‌گدشتم. منم اگه اراده کنم که تو نباشی یا باشی همون می‌شه.

استعاره خاص «فرد خشمگین ماشین در حال کار است.»: (۱۳) زروان خشمگین از جا در می‌رود: عجیبه، تو هم مثل این مشیای احمق حرف می‌زنی

با بررسی استعاره‌های خاص استخراج شده مشخص می‌شود که صادق چوبک برای بیان مفهومی انتزاعی خشم بیشترین استفاده را از حوزه مبدا «شیء / دارایی» با فراوانی ۱۸ مورد داشته و کمترین استفاده را از حوزه‌های مبدا «موجود ماورا الطبیعه، حیوان در بند، سفر، آلودگی، عضو بدن ظرف خشم، فرد خشمگین ماشین در حال کار و حیوان وحشی» برده است.

در بخش قبلی استعاره‌های خاصی که صادق چوبک در داستان فارسی سنگ‌صبور بکار برده است مشخص شدند. با توجه به اینکه استعاره‌های سطح عام مربوط به یک استعاره سطح خاص تمامی نگاشت‌های آن استعاره خاص را شامل می‌شوند، در ادامه مشخص می‌کنیم که از بین استعاره‌های عام «احساسات، شیء هستند» و «احساسات، نیرو هستند»، چوبک کدامیک را بیشتر بکار برده است.

چوبک استعاره عام «احساسات، شیء هستند» را در ۱۰ مورد (استعاره خاص) بکار برده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱۵۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

استعاره خاص «**خشم شیبی و وسیله است**»: (۱۴) زروان تهدید آمیز: تو هنوز خشم و غضب من را ندیدی. این استعاره خاص یکی از زیر شاخه های استعاره عام «**حالتها اشیا هستند**» می باشد که جزو مجموعه استعاره عام «**رویداد-ساختار**» می باشد.

استعاره خاص «**خشم مایع / ماده در ظرف است**»: (۱۵) /هریمن: همش تو خشمه و بهمه چیز شک داره. نمیدونی چقدره با مزه است. استعاره عام مربوط به این استعاره خاص «**احساسات، اشیایی در هویتهایی (ظروفی) در درون فرد هستند**»

استعاره خاص «**خشم ظرف است**»: (۱۶) /اووخت در کوچه رو بهم زد و رفت. هیچ خلقش تنگ نبود. مته همیشه بود. این استعاره زیر مجموعه استعاره عام «**احساسات، شیبی هستند**» می باشد که زیر مجموعه «**استعاره عام حالتها، مکان هستند**» می باشند.

استعاره خاص «**خشم ساختمان است**»: (۱۷) زروان با خشم ساختگی هرگز! این کفر واقعیه. به چه مناسبت یکی دیگر را از خودم بیشتر دوست داشته باشم؟ این استعاره زیر مجموعه استعاره عام «**احساسات، اشیا ساخته شده هستند**» می باشد که زیر مجموعه «**استعاره عام حالتها، مکان هستند**» می باشند.

استعاره خاص «**عضو بدن ظرف خشم است**»: (۱۸) نگاه تندى بم کرد و زود پا شد و ایساد و تسیحش گندوشت تو جیش. استعاره خاص «**حالتها، شیبی هستند**» استعاره مربوط به این استعاره خاص است.

استعاره خاص «**خشم حیوان در بند است**»: (۱۹) با خود خوری و خشم نهفته: لجبازی نکن زن! مشیا نمی شه

و هم چنین استعاره های خاص: «**فرد خشمگین یک ماشین در حال کار است**»، «**خشم موجود ماورا الطبیعه است**»، «**خشم سفر است**» و «**خشم آلودگی است**» همگی زیر مجموعه استعاره عام «**احساسات، شیبی هستند**» می باشند.

صادق چوبک استعاره عام «**احساسات، نیرو هستند**» را در ۴ مورد (استعاره خاص) بکار برده است که شامل:

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌صبور... ۵۹|||

استعاره خاص «خشم تغییر حالت بدن است.»: (۲۰) مدعی العموم سخت خشمگین می‌شود: آقای معلم / این بی‌حیثیه. این استعاره زیر مجموعه استعاره عام «**حالتها، نیروها هستند**» می‌باشند که زیر مجموعه «**حالتها، مکان هستند**» می‌باشد.

استعاره خاص «**خشم یک دشمن در میدان نبرد است.**»: (۲۱) در این هنگام باز مشیا حمله می‌کند که جلو برود و اهریمن جلوش را می‌گیرد. زروان بی‌قرار و خشمگین است. مرتب دمش را بزمین می‌کوبد و سرش را اینطرف و آنطرف تکان تکان می‌دهد و زبانش برق آسا از دهانش بیرون می‌پرد و نگاه‌های مشکوک بدور و ور خودش می‌اندازد. استعاره عام مربوط به این استعاره خاص، استعاره‌ی «**احساسات در باره آنچه که بر آن کنترلی نداریم، خصمانه است**» و همینطور استعاره‌ی «**کنترل ذهنی، کنترل فیزیکی است.**»

استعاره خاص «**خشم برتری اجتماعی است.**»: (۲۲) تو همش با رمز و کنایه با من حرف می‌زنی. همش از اهریمن و مشیا حرف می‌زنی، اما نمی‌گی اونا کی اند، تو اصلا با من رو راست نیستی. اونوقت بم بدمن هم میگی؟ بات قهرم. «**نیروهای روانی، نیروی فیزیکی هستند**» استعاره عام مربوط به این استعاره می‌باشد.

و هم چنین استعاره خاص «**خشم آزار فیزیکی است.**»: (۲۳) امیر در بستر بیماری است و نباید با خشم خود را بیازارد.

باتوجه به این داده‌ها روشن می‌شود که چوبک در داستان سنگ‌صبور بیشتر از استعاره‌عام «**احساسات، شیئی هستند**» بهره‌برده است.

### خشم و هیاهو

در داستان خشم و هیاهو، پس از استخراج ۴۵ مورد استعاری با توجه به واژه‌های مترادف خشم در فرهنگ وبستر، مشخص شد که ویلیام فاکتر بیشترین بهره را برای بیان مفهوم انتزاعی خشم از حوزه‌ی مبدا دیوانگی با ۸ مورد و هم چنین سایر حوزه‌های مبدا: شیئی ۷ مورد، صدا ظرف خشم ۶ مورد، حیوان وحشی ۵ مورد، ظرف یا مکان ۴ مورد، تغییر حالت بدن، حیوان در بند و حصار ۳ مورد، گرما / آتش ۲ مورد، دشمن در میدان نبرد، نیروی طبیعی، موجود ماورا الطبیعه و بیماری با ۱ مورد برده است.

۱۱۱۶۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

جدول ۲. حوزه‌های مبدأ (استعاره‌های) به کار رفته در داستان خشم و هیاهو برای بیان مفهوم حوزه‌ی مقصد خشم

فراوانی	حوزه مبدأ	فراوانی	حوزه مبدأ
۳	حصار	۸	دیوانگی
۲	گرما/ آتش	۷	شیی / وسیله / دارایی
۱	دشمن در میدان نبرد	۶	صدا ظرف خشم
۱	دلیل خشم نیروی طبیعی	۵	خشم حیوان خطرناک است، رفتار فرد خشمگین مانند رفتار حیوان مهاجم است
۱	خشم موجود ماورا الطبیعه	۴	ظرف
۱	بیماری	۳	تغییر حالت بدن
		۳	حیوان در بند

در مقایسه با استعاره‌های شناسایی شده توسط کوچش که در بخش قبل بطور کامل نامبرده شدند، استعاره‌هایی که شامل: «**خشم مایع داغ در ظرف است**»، «**خشم برتری اجتماعی است**» و «**فرد عصبانی ماشین در حال کار است**»، در حوزه خشم داستان سنگ صبور دیده نمی‌شوند. هم‌چنین حوزه‌هایی مانند «شیی و وسیله، ظرف، صدا ظرف **خشم**، بیماری، تغییر حالت بدن، موجود ماورا الطبیعه» بعنوان حوزه مبدأ در این داستان دیده می‌شوند. در ادامه مثال‌هایی برای این استعاره‌های خاص آمده است: (ترجمه جملات از صالح حسینی (۱۳۹۷))

استعاره خاص «**خشم شیی / دارایی / وسیله است**».

(1) ..., and he thought ... of himself trying to hold the fatal, furious little old man whom he dared not release long enough to turn his back and run.

(و خودش را در نظر آورد که می‌کوشید پیرمرد کوچولوی خطرناک و خشمگینی را نگه دارد که زهره‌ی رها کردنش را آن قدر که پشت کند و فرار کند نداشت.)

استعاره خاص «**صدا ظرف خشم است**».

(2) "Am I bleeding much?" he said. He was still saying that while he felt himself being propelled rapidly away, heard the old man's thin furious voice dying away behind him. "Look at my head," he said, "Wait, I—"



استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌سور... ۶۱۱۱

(گفت: «خیلی ازم خون میاد؟! ...» هم چنان این را می‌گفت و حس می‌کرد که به سرعت از آنجا دورش می‌کنند و صدای نازک و خشمگین پیرمرد را می‌شنید که پشت سرش فرو می‌میرد.)  
استعاره خاص «دلیل خشم نیروی طبیعی است.»

(3) "Getting Quentin all riled up." Dilsey said. "Why cant you keep him away from her. Dontyou know she dont like him where she at."

(دیلسی گفت: «کونتین رو حسابی کفری کردین. چرا نمی‌تونی از کونتین دور نیگزش داری. مگه نمی‌دونی خوش نداره دور و برش باشه.»)

استعاره خاص «خشم حیوان خطرناک است و رفتار فرد خشمگین، رفتار حیوان مهاجم است.»

(4) Jason told him, his sense of injury and impotence feeding upon its own sound, so that after a time he forgot his haste in the violent cumulation of his self justification and his outrage.

(جیسن که هرچه بیشتر حرف می‌زد احساس آسیب دیدگی و ناتوانیش تشدید می‌شد، ماجرا را تعریف کرد طوری که اندکی بعد درگیر و دار افزایش شدید تبرئه نفس و خشم خویش شتابش را از یاد برد.)

استعاره خاص «خشم حصار / بار است.»

(5) "You bastard," the other shrieked, scrabbling at the table. Jason tried to grasp him in both arms, trying to prison the puny fury of him.

(آن دیگری که میز را دست‌مالی می‌کرد، جیغ زد: «ای حرامزاده» جیسن کوشید هر دو بازوی او را بگیرد و خشم ناچیزش را مهار کند.)

استعاره خاص «خشم دشمن در میدان نبرد است.»

(6) He thought of ... himself trying to hold the fatal, furious little old man whom he dared not release long enough to turn his back and run.

(و خودش را در نظر آورد که می‌کوشید پیرمرد کوچولوی خطرناک و خشمگینی را نگه دارد که زهره‌ی رها کردنش را آن قدر که پشت کند و فرار کند نداشت.)

استعاره خاص «خشم دیوانگی است.»

(17) "See if I don't," she says. Then I saw that she really was trying to tear it, to tear it right off of her. By the time I got the car stopped and grabbed her hands there was about a dozen people looking. It made me so mad for a minute it kind of blinded me.

(می گوید: بین اگر نکردم.) بعد دیدم راستی راستی می خواهد پاره اش کند و از تنش دور بیندازد. تا ماشین را نگه داشتم و دو دستش را گرفتم، ده دوازده نفر به تماشا جمع شده بودند. یک دقیقه ای آن قدر جوشی شدم که چشمهایم جایی را نمی دید.)

استعاره خاص «خشم گرما / حرارت است.»

(18) "Oh, I m crazy," she says, "I m insane. I can't take her. Keep her. What am I thinking of. Jason," she says, grabbing my arm. Her hands were hot as fever.

(می گوید: آه، من خلم، دیوانه ام، نمی توانم او را ببرم. نگهش دار. مرا باش که چه فکری می کنم. بازویم را می گیرد و می گوید: جیسن. دستهایش مثل کوره می سوخت)

استعاره خاص «خشم حیوان در بند است.»

(19) and he thought Hurry. Hurry. Get it over with, and then a furious desire not to die seized him and he struggled, hearing the old man wailing and cursing in his cracked voice.

(و به دل گفت: عجله کن. تمامش کن، آنوقت ارزویی سرکش برای نمردن سراسر وجودش را فراگرفت و به تقلا افتاد و شنید که پیرمرد با صدای شکسته اش می نالد و دشنام می دهد.)

استعاره خاص «خشم ظرف است.»

(20) "Yes," Jason said, "And if I could find a law officer that gave a solitary damn about protecting the people that elected him to office, I d be there too by now." He repeated his story, harshly recapitulant, seeming to get an actual pleasure out of his outrage and impotence.

(جیسن گفت: آره. من هم اگر یک نفر مامور مجری قانون پیدا می کردم تا یک ذره در فکر محافظت از اموال مردمی بود که او را انتخاب کرده اند، الان اونجا بودم.) داستانش را با خشونت تمام بازگو کرد، گویی خشم و ناتوانیش مایه لذت او بود)

استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌سور... ۶۳۱۱۱

استعاره خاص «خشم تغییر حالت بدن است.»

(21) *Shreve hunched and furious on his little seat*

(شریو قوز کرده و خشمگین روی صندلی کوچکش نشسته بود)

با بررسی استعاره‌های خاص استخراج شده مشخص می‌شود که ویلیام فاکنر برای بیان مفهومی انتزاعی خشم بیشترین استفاده را از حوزه مبدا دیوانگی با فراوانی ۸ مورد داشته و کمترین استفاده را از حوزه‌های مبدا «موجود ماورا الطبیعه، بیماری، دشمن در میدان نبرد و دلیل خشم نیروی طبیعی»، برده است.

**استعاره عام خشم و هیاهو**

در زمینه استفاده از استعاره‌های عام «احساسات، شیئی هستند» و «احساسات، نیرو هستند»، فاکنر استعاره عام «احساسات، شیئی هستند» را در ۷ استعاره خاص بکار برده است که شامل: استعاره خاص «خشم شیئی و وسیله است.» زیرمجموعه استعاره‌های عام «احساسات، شیئی هستند» و «حالتها، مکان هستند» می‌باشد.

(22) *We stood there, looking at the grave, and then I got to thinking about when we were little and one thing and another and I got to feeling funny again, kind of mad or something, thinking about now we'd have Uncle Maury around the house all the time, ...*

(آنجا ایستاده بودیم و نگاه می‌کردیم به قبر، بعدش یاد دوران بچگیمان افتادم و چه و چه و دوباره حال غریبی پیدا کردم، مثل حالت کفری شدن یا یک همچو چیزی، و یاد این افتادم که حالا دیگر دایی موری همیشه توی خانه می‌ماند و کارها را سامان می‌دهد ...)

استعاره خاص «خشم حیوان در بند است.» در بالاترین سطح استعاره‌های عام زیر مجموعه استعاره عام «رویداد-ساختار» بوده و با عبور از چند مرحله به استعاره عام «احساسات، شیئی هستند» می‌رسد.

(23) *He thought of ... himself trying to hold the fatal, furious little old man whom he dared not release long enough to turn his back and run.*

۱۴۰۱ شماره پناه و دوم

(و خودش را در نظر آورد که می‌کوشید پیرمرد کوچولوی خطرناک و خشمگینی را نگه دارد که زهره‌ی رها کردنش را آن قدر که پشت کند و فرار کند نداشت.)

استعاره خاص «خشم حصار / باز است.»

(24) *and he thought Hurry. Hurry. Get it over with, and then a furious desire not to die seized him and he struggled, hearing the old man wailing and cursing in his cracked voice.*

(و به دل گفت: عجله کن. تمامش کن، آنوقت ارزویی سرکش برای نمردن سراسر وجودش را فراگرفت و به تقلا افتاد و شنید که پیرمرد با صدای شکسته اش می‌نالند و دشنام می‌دهد.)

استعاره خاص «خشم حیوان خطرناک یا رفتار فرد خشمگین رفتار حیوان خطرناک است.» استعاره عام مربوط به این استعاره خاص، «رفتار احساسی، رفتار حیوانی یا انسانی است»

(25) *His breath made a hah hah hah sound and he stood there trying to repress it, darting his gaze this way and that, when at a scuffling sound behind him he turned in time to see the little old man leaping awkwardly and furiously from the vestibule, a rusty hatchet high in his hand.*

(به هن و هن افتاده بود و ایستاد و سعی کرد جلو آن را بگیرد، و در همان حال سریع به این سو و آن سو نظر می‌انداخت، که به شنیدن صدای مبهمی از پشت سر به موقع برگشت و پیرمرد را دید که با تبر زنگ‌زده‌ی آخته‌ای در دست ناشیانه و خشمگین از راهرو واگن خیز برمی‌داشت.)

استعاره خاص «صدا ظرف خشم است.» استعاره های عام مربوط به این استعاره، به ترتیب عام تر، «حالت‌ها، شیئی هستند» و «اشیا هویت‌هایی (ظروفی) برای احساسات در درون انسان هستند.»

(26) *He was still saying that while he felt himself being propelled rapidly away, heard the old man's thin furious voice dying away behind him.*

(هم‌چنان این را می‌گفت و حس می‌کرد که به سرعت از آنجا دورش می‌کنند و صدای نازک و خشمگین پیرمرد را می‌شنید که پشت سرش فرو می‌میرد.)

استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌سور... ||| ۶۵

استعاره خاص «خشم ظرف است.» استعاره عام مربوطه «احساسات، هویت (شیبی) هستند» می‌باشد.

(27) *He repeated his story, harshly recapitulant, seeming to get an actual pleasure out of his outrage and impotence.*

(داستانش را با خشونت تمام بازگو کرد، گویی خشم و ناتوانیش مایه‌ی لذت او بود.)

استعاره خاص «خشم موجود ماورالطبیعه است.» نیز مربوط به استعاره عام «احساسات، شیبی هستند» می‌باشد.

هم چنین ویلیام فاکنر استعاره عام «احساسات، نیرو هستند» را در ۶ مورد استعاری خاص بکار برده است که شامل: استعاره‌های خاص «خشم گرما است»، «خشم نیروی طبیعی است» و هم چنین موارد زیر می‌شود:

استعاره خاص «خشم تغییر حالت بدن است.» استعاره عام مربوط به این مورد استعاره‌ی «اشیا هویت‌هایی برای احساسات در درون انسان هستند»

(28) *When we were little when she'd get mad and couldn't do anything about it her upper lip would begin to jump .*

(بچه که بودیم هر وقت کفری می‌شد و کاری از دستش برنمی‌آمد لب بالا بیش بنا می‌کرد به پریدن.)

استعاره خاص «خشم دیوانگی است.» «احساسات قوی، دیوانگی است» استعاره‌ی عام مربوطه می‌باشد

(29) *I didn't let him I made him watching me getting mad What do you think of that?*

(وقتی متوجه شد دارم کفری می‌شوم نگذاشتمش وادارش کردم حالا چه می‌گویی؟)

استعاره خاص «خشم بیماری است.» استعاره‌های عام این استعاره خاص به ترتیب عام تر شامل: «احساسات، نیرو هستند» و «نیروهای روانی، نیروهای فیزیکی هستند»

(30) *She just stood there looking at me, shaking like an ague-fit, her hands clenched and kind of jerking.*

۱۱۱۶۶ // دو هفتاد و یکمین شماره مجله مطالعات نقد ادبی / سال هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

(همین طور سر جایش ایستاده بود و نگاهم می کرد و مثل نوبه ایها می لرزید و مشت‌های گره کرده اش تکان می خورد.)

استعاره خاص «خشم دشمن در میدان نبرد است». این استعاره زیرمجموعه‌ی استعاره‌های عام «احساسات در باره آنچه که بر آن کنترلی نداریم، خصمانه است» و همینطور استعاره‌ی «کنترل ذهنی، کنترل فیزیکی است.» می باشد.

(31) and he thought of ... himself trying to hold the fatal, furious little old man whom he dared not release long enough to turn his back and run.

(و خودش را در نظر آورد که می کوشید پیرمرد کوچولوی خطرناک و خشمگینی را نگه دارد که زهره‌ی رها کردنش را آن قدر که پشت کند و فرار کند نداشت.)

با توجه به موارد ذکر شده مشخص می شود که فاکتر نیز در کتاب خشم و هیاهو برای بیان مفهوم انتزاعی خشم بیشتر از استعاره عام «احساسات، شیئی هستند» بهره برده است.

### میرا مار

در داستان میرا مار، پس از استخراج واژه‌های مترادف «خشم» از فرهنگ فرزانه (۱۳۸۷) ۵۳ مورد استعاره‌ی شناسایی شد و مشخص شد که نویسنده برای بیان مفهوم حوزه‌ی مقصد «خشم» از ۱۰ حوزه‌ی مبدا استفاده کرده است. که شامل «مایع / ماده در ظرف» با ۱۰ مورد استعاره‌ی «شیئی و وسیله» با ۹ مورد استعاره‌ی «صدا ظرف خشم و تغییر حالت بدن» با ۶ مورد استعاره‌ی «گرما، نیرو و دیوانگی» با ۵ مورد استعاره‌ی «چشم ظرف خشم» با ۴ مورد استعاره‌ی «خشم ظرف است» با ۳ مورد استعاره‌ی و «حصار» با یک مورد استعاره‌ی شناسایی شدند.

جدول ۳. حوزه‌های مبدأ (استعاره‌های) به کار رفته در داستان سنگ صبور برای بیان مفهوم حوزه‌ی مقصد خشم

حوزه مبدأ	فراوانی	حوزه مبدا	فراوانی
مایع / ماده در ظرف	۱۰	نیرو	۵
دارایی، شیئی / وسیله	۹	دیوانگی	۵
صدا ظرف خشم	۶	چشم ظرف خشم	۴
تغییر حالت بدن	۵	خشم ظرف	۳
گرما	۵	حصار	۱

استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ صبور... ۶۷

در مقایسه با استعاره‌های شناسایی شده توسط کوچش مشخص می‌شود که استعاره‌های «خشم دشمن در میدان نبرد است»، «خشم حیوان در بند است»، «رفتار خشمگین، رفتار حیوان مهاجم است»، «خشم تجاوز است»، «خشم آزار فیزیکی است»، «خشم برتری اجتماعی است»، و «فرد عصبانی ماشین در حال کار است» در میرامار بکار نرفته‌اند ولی استعاره‌های خاص: «عضو بدن ظرف، شی و وسیله، ظرف، صدا ظرف خشم، تغییر حالت بدن» توسط نجیب محفوظ بعنوان حوزه مبدا مفهوم انتزاعی خشم بکاررفته‌اند.

در ادامه برای استعاره‌های ذکر شده در جدول بالا مثالهایی آورده شده است:

استعاره خاص «خشم مایع / ماده در ظرف است»: (۱) و غضبت غضبه كفضبات الأیام المریره (عصبانیتی چون عصبانیت‌های روزهای تلخ گذشته وجودم را فرا گرفته بود).  
استعاره خاص «خشم شی و وسیله است»: (۲) قاطعتنی بقسوه . (با عصبانیت حرفم را قطع کرد).

استعاره خاص «صدا ظرف خشم است»: (۳) فقالت المدام بغضب . (مادام با غیظ گفت)

استعاره خاص «خشم تغییر حالت بدن است»: (۴) وجهها تبدی صلبا متحجراً مصفراً من الغضب . (چهره اش بدجوری از عصبانیت زرد و صلب و سنگین شده)

استعاره خاص «خشم گرما/حرارت است»: (۵) اشعلتنی بالغضب . (از عصبانیت گر گرفته‌م)

استعاره خاص «خشم نیروی طبیعی است»: (۶) أصابت غضبتها قلبی . (خشمش قلبم را تکان داد)

استعاره خاص «خشم دیوانگی است»: (۷) أبعدتها عنی فصحت فی جنون الغضب . (او را کنار

زدم و دیوانه وار فریاد کشیدم)

استعاره خاص «عضو بدن (چشم) ظرف خشم است»: (۸) رمانی بنظرات غاضبه حتی عجبیت

لشأنه . (خشمگین نگاهم می‌کرد، از نگاهش هاج و واج مانده بودم)

استعاره خاص «خشم ظرف است»: (۹) وللمره الثانيه لم أجد من أصب علیه جام غضبی . (و باز

هم کسی را نمی‌یابم تا جام غضبم را روی او خالی کنم)

استعاره خاص «**خشم حصار است**»: (۱۰) غبت عمت حولی صهرنی الغضب . (از همه چیز متنفر شده بودم و خشم سراپایم را احاطه کرده بود)

با بررسی استعاره های خاص استخراج شده مشخص می شود که نجیب محفوظ برای بیان مفهوم انتزاعی خشم بیشترین استفاده را از حوزه مبدا مایع / ماده در ظرف با فراوانی ۱۰ مورد داشته و کمترین استفاده را از حوزه ی مبدا حصار با فراوانی ۱ مورد بکار برده است.

#### استعاره عام میرامار

در زمینه استفاده از استعاره های عام «**احساسات، شیئی هستند**» و «**احساسات، نیرو هستند**»، نجیب محفوظ استعاره عام «**احساسات، شیئی هستند**» را در ۶ استعاره خاص بکار برده است که شامل:

استعاره خاص «**خشم مایع / ماده در ظرف است**». زیر مجموعه ی استعاره ی عام «**اشیا هویتهایی برای احساسات در درون انسان هستند**»: (۱۱) قلت بنبره لم تخل من امتعاض: لزوج، لأنباء . (با لحنی که خالی از عصبانیت نبود گفتم: نه ازدواج، نه بچه)  
استعاره خاص «**خشم شیئی و وسیله است**»: (۱۲) ذهبت ألی حجرتی أعمی من الغضب . (در حالی که از غضب کور شده بودم، به اتاقم رفتم).  
و استعاره خاص «**صدا ظرف خشم است**»: (۱۳) و قالت بعتاب : منصور! عتاب آلوده گفت : منصور!

هم چنین استعاره خاص «**عضو بدن (چهره) ظرف خشم است**»: (۱۴) حملت فی وجهی ذابله غیر مصدقه تعیسه غاضبه، فقلت ممعنا فی وحشیتی. (با چهره ای تکیده و ناباورانه، نو مید و خشمگین، در حالی که وحشتم را فرو می خوردم گفتم)

و استعاره خاص «**خشم ظرف است**»: (۱۵) قامت بشی من العنف. (با درماندگی و خشم پا شد).  
و استعاره خاص «**خشم حصار است**». نیز به این استعاره عام مربوط می شود و همه ی این استعاره های خاص، زیر مجموعه ی مستقیم استعاره ی عام «**احساسات، شیئی هستند**» می باشند.



استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ صبور... ۶۹|||

نجیب محفوظ در داستان میرامار از ۴ استعاره خاص استفاده کرده است که زیر مجموعه‌ی استعاره‌ی عام «احساسات، نیرو هستند.» می‌باشند. استعاره خاص «خشم تغییر حالت بدن است.»: (۱۷) أعمانی الغضب . (خشم کورم کرده بود.)

و استعاره خاص «خشم نیروی طبیعی / عامل است.»: (۱۸) انبثق شعاع غضب من أعماق عینیها الرمادیتین. (برق غضبی از اعماق چشمان خاکستری اش بیرون زد) زیر مجموعه‌ی استعاره‌ی عام «نیروهای روانی، نیروهای فیزیکی هستند.» می‌باشند.

استعاره خاص «خشم گرما است.» استعاره عام مربوطه «احساسات قوی، گرم هستند.»: (۱۹) کانت تغلی بالغضب غلیاناً. (از خشم گر گرفته بود و فحش و لعنت می‌فرستاد.)  
استعاره خاص «خشم دیوانگی است.» استعاره عام مربوطه «احساس قوی، دیوانگی است.»: (۲۰) جنت من الغضب . (از خشم دیوانه شدم.)

## تحلیل و مقایسه داستان‌ها با یکدیگر

### سنگ صبور و خشم و هیاهو

با بررسی نتایج بدست آمده در رابطه با داستان سنگ صبور، مشخص شد که پربسامدترین حوزه مبدأ (۱۸ مورد) متعلق به شیئی و وسیله می‌باشد و در جایگاه دوم تغییر حالت بدن (۴ مورد) و در جایگاه سوم حوزه‌های مبدأ «ظرف و ماده/مایع در ظرف» (۳ مورد) دیده می‌شوند. کم بسامدترین حوزه‌های مبدأ: «حیوان در بند، سفر، آلودگی، عضو بدن ظرف خشم، حیوان وحشی، فرد خشمگین، ماشین در حال کار»، (۱ مورد) می‌باشند. در رابطه با داستان خشم و هیاهو پربسامدترین حوزه مبدأ به ترتیب مربوط به حوزه مفهومی «دیوانگی» (۸ مورد)، «شیئی و وسیله» (۷ مورد) و «صدا ظرف خشم» (۶ مورد) است. کم بسامدترین حوزه‌های مبدأ: «دشمن در میدان نبرد، نیروی طبیعی، موجود ماورالطبیعه و بیماری» (۱ مورد) می‌باشند. حوزه‌های مبدأ مشترک هر دو داستان عبارتند از: «شیئی و وسیله، ظرف و مکان، تغییر حالت بدن، دشمن در میدان نبرد و حیوان در بند.» حوزه‌های مبدأ: «ماده / مایع در ظرف، عضو بدن ظرف خشم، حیوان وحشی، برتری اجتماعی، فرد خشمگین ماشین در حال کار، ساختمان، آزار فیزیکی و آلودگی» در داستان سنگ صبور دیده می‌شود ولی در داستان خشم و هیاهو نیست. هم چنین حوزه‌های مبدأ: «صدا ظرف خشم، رفتار خشمگین، رفتار حیوان مهاجم، بیماری، گرما،

نیروی طبیعی، موجود ماورالطبیعه، حصار/مانع، دیوانگی» در داستان خشم و هیاهو هست ولی در سنگ صبور نیست. مشخص شد که هر دو نویسنده به طور مشترک از حوزه مفهومی شیئی استفاده بیشتری برده‌اند. هم چنین حوزه های کم بسامد متفاوتی را بکار گرفته اند.

در مورد استعاره‌های عام، استعاره عام غالب در سنگ‌صبور استعاره «احساسات، شیئی هستند» با بسامد ده مورد، و استعاره‌ی «احساسات، نیرو هستند» با بسامد چهار مورد مشخص شدند. که نشان می‌دهد صادق چوبک بیشتر از استعاره «احساسات، شیئی هستند» استفاده کرده‌است. در خشم و هیاهو، فاکتر تقریباً بهره یکسانی را از استعاره های عام «احساسات، شیئی هستند» با بسامد هفت مورد و «احساسات، نیرو هستند» با بسامد شش مورد برده است. با مقایسه استعاره‌های غالب در داستان‌های سنگ‌صبور و خشم و هیاهو مشخص می‌شود که این دو زبان در مفهوم‌سازی احساس انتزاعی خشم در سطح استعاره‌های عام تقریباً یکسان هستند. شباهت‌های بین دو داستان نشأت گرفته از شناخت تجسم یافته‌ی جهانی بوده و تفاوت‌ها به ویژگی فرهنگ - ویژه استعاره باز می‌گردد.

### سنگ صبور و میرامار

با بررسی نتایج بدست آمده در رابطه با داستان سنگ‌صبور، مشخص شد که پربسامدترین حوزه مبدأ با هجده مورد متعلق به «شیئی و وسیله» می‌باشد و به ترتیب در جایگاه‌های دوم و سوم حوزه‌های مبدأ «تغییر حالت بدن» (چهار مورد) و «ظرف و ماده / مایع در ظرف» (۳ مورد) دیده می‌شوند. هم چنین کمترین بسامد مربوط به حوزه های مبدأ «حیوان در بند، سفر، آلودگی، عضو بدن ظرف خشم، حیوان وحشی، فرد خشمگین، ماشین در حال کار»، (یک مورد) می‌باشد. در رابطه با داستان میرامار پربسامدترین حوزه مبدأ به ترتیب مربوط به حوزه مفهومی «ماده / مایع در ظرف» (ده مورد)، «شیئی و وسیله» (نه مورد) و «صدا ظرف خشم» (شش مورد) است. کم‌بسامدترین حوزه مبدأ در داستان میرامار حوزه «حصار / مانع» می‌باشد. استعاره‌های مشترک هر دو داستان عبارتند از: «ماده/مایع در ظرف، عضو بدن ظرف، شیئی و وسیله، ظرف / مکان و تغییر حالت بدن» می‌باشند. هم چنین در سنگ‌صبور استعاره‌های «حیوان وحشی، برتری اجتماعی، فرد خشمگین ماشین در حال کار، سفر، دشمن در میدان نبرد، ساختمان، آزار فیزیکی، حیوان در بند، آلودگی» بکار رفته‌است که در میرامار بچشم نمی‌خورد. در داستان میرامار، استعاره‌های «صدا ظرف خشم، گرما، نیروی طبیعی، حصار/مانع، دیوانگی» دیده

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌صبور... ۷۱۱۱۱

می‌شود که در سنگ‌صبور نیست. با مقایسه اطلاعات بدست آمده مشخص می‌شود که نویسندگان در استفاده از استعاره‌های خاص تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند.

در مورد استعاره‌های عام، استعاره عام غالب در سنگ‌صبور استعاره «**احساسات، شیئی هستند**» با بسامد ده مورد، و استعاره‌ی «**احساسات، نیرو هستند**» با بسامد چهار مورد مشخص شدند. در میرامار، نجیب محفوظ بیشترین بهره را از استعاره‌ی عام، «**احساسات، شیئی هستند**» با بسامد هفت مورد و سپس استعاره‌ی «**احساسات، نیرو هستند**» را با بسامد چهار مورد برده است. با مقایسه استعاره‌های عام غالب در داستان‌های سنگ‌صبور و میرامار مشخص می‌شود که این دو زبان در مفهوم‌سازی احساس انتزاعی خشم تقریباً یکسان هستند. صادق چوبک و نجیب محفوظ هر دو بیشتر از استعاره‌ی عام، «**احساسات، شیئی هستند**» بهره برده‌اند. تفاوت‌های بین دو داستان نشأت گرفته از شناخت تجسم یافته‌ی جهانی بوده و تفاوت‌ها به ویژگی فرهنگی ویژه استعاره باز می‌گردد.

### خشم و هیاهو و میرامار

در رابطه با داستان خشم و هیاهو پربسامدترین حوزه مبدأ به ترتیب مربوط به حوزه مفهومی «دیوانگی» (هشت مورد)، «شیئی و وسیله» (هفت مورد) و «صدا ظرف خشم» (شش مورد) است. کم بسامدترین حوزه‌های مبدأ: «دشمن در میدان نبرد، نیروی طبیعی، موجود ماورالطبیعه و بیماری» (یک مورد) می‌باشند. در رابطه با داستان میرامار پربسامدترین حوزه مبدأ به ترتیب مربوط به حوزه مفهومی «ماده / مایع در ظرف» (ده مورد)، «شیئی و وسیله» (نه مورد) و «صدا ظرف خشم» (شش مورد) است. کم بسامدترین حوزه مبدأ در داستان میرامار حوزه «حصار و مانع» می‌باشد. استعاره‌های مشترک هر دو داستان عبارتند از: «شیئی و وسیله، ظرف و مکان، صدا ظرف خشم، تغییر حالت بدن، گرما، نیروی طبیعی، مانع و حصار، دیوانگی» می‌باشند. هم‌چنین استعاره‌های «رفتار خشمگین رفتار حیوان مهاجم، بیماری، موجود ماورالطبیعه، دشمن در میدان نبرد و حیوان در بند» در خشم و هیاهو هست و در داستان عربی نیست. و استعاره‌های «ماده / مایع در ظرف و عضو بدن ظرف خشم» در داستان میرامار هست ولی در متن انگلیسی نیست. بدین ترتیب مشخص می‌شود که هر دو نویسنده به‌طور مشترک از حوزه مفهومی «شیئی و وسیله و صدا ظرف خشم» استفاده بیشتری برده‌اند.

در خشم و هیاهو، فالکنر بیشترین بهره را از استعاره‌های عام، «احساسات شیئی است» با بسامد هفت مورد برده و استعاره «احساسات، نیرو است» با بسامد شش مورد در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. در میرامار، نجیب محفوظ از استعاره‌ی عام، «احساسات، شیئی است» با بسامد شش مورد بیشترین بهره را جسته و استعاره‌ی عام، «احساسات نیرو است» با بسامد چهار مورد در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. با مقایسه استعاره‌های عام غالب در داستان‌های خشم و هیاهو و میرامار مشخص می‌شود که این دو زبان در مفهوم‌سازی احساس انتزاعی خشم یکسان هستند. شباهت‌های بین دو داستان نشأت گرفته از شناخت تجسم یافته‌ی جهانی بوده و تفاوت‌ها به ویژگی فرهنگی - ویژه استعاره باز می‌گردد.

### مقایسه سه داستان

استعاره‌های مشترک بین ۳ کتاب عبارتند از: «خشم شیئی، وسیله و دارایی است»، «خشم ظرف / مکان است» که استعاره عام مربوط به آنها «احساسات، شیئی هستند» می‌باشد و استعاره خاص «خشم تغییر حالت بدن است» که استعاره عام مربوط به آن «احساسات، نیرو هستند» می‌باشد. در ضمن استعاره‌ی عامی که بیشترین بسامد را در این سه زبان در حوزه خشم داشت استعاره عام «احساسات، شیئی هستند» می‌باشد این نکات مشترک نشان‌دهنده نقش تجربیات تجسم یافته‌ی جهانی را پررنگتر می‌کند. با توجه به استعاره‌های خاص مشترک، استعاره‌های عام مشترک، «احساسات، شیئی هستند» دو مورد، و «احساسات، نیرو هستند» یک مورد تعیین شد. شباهت‌های موجود نشان‌دهنده نقش تجربیات تجسم یافته‌ی جهانی است. البته در این پژوهش تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای هم در مورد استعاره‌های خاص بکار رفته و بسامد آن‌ها مشخص شد و این نتیجه با نظریه کوچش (۱۹۹۶: ۳۶) که خشم احساسی است با «ساختار شناختی دقیق» و هم چنین این که مدل شناختی خشم در زبان انگلیسی «هر چیزی می‌تواند باشد جز جهانی بودن» مطابقت دارد و با توجه به جدول شماره چهار، می‌توان دید که فقط سه استعاره خاص مشترک بین این سه اثر داستانی به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی وجود دارد، و بقیه استعاره‌ها یا فقط در دو زبان مشترک هستند یا اصلاً هیچ اشتراکی با دو زبان دیگر ندارند؛ این نتیجه با نظریه ورزبکا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) که نقش فرهنگ و تفسیر هنجارها و ارزش‌های فرهنگی در زبان‌های مختلف را در بر می‌گیرد مطابقت دارد و نیز

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌صبور... ۷۳\|\|

نشان‌دهنده این واقعیت است که مدل‌های شناختی در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت هستند. البته تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای که بین استعاره‌های به کار رفته در این سه داستان دیده می‌شود که اشاره به فرهنگ - ویژه بودن زبان دارد. در اینجا می‌توان به نتیجه‌ای که انسه<sup>۱</sup> (۲۰۱۰: ۲۳) بدست آورد نیز اشاره کرد: «در توضیح شباهت‌ها و تفاوت‌ها در تفسیرهای خاص زبانی این دو استعاره در دو زبان (انگلیسی و اکان)، به نظریه نمونه اولیه فرهنگی تجسم یافته در تاکید بر نقشی که فرهنگ در مفهوم‌سازی مفاهیم احساسات ایفا می‌کند، اشاره می‌کنم. و استدلال من این است که شناخت فرهنگی مبتنی بر برجستگی‌های اجتماعی-فرهنگی است.»

ورزبکا (۱۹۹۸) نیز در مورد اهمیت مرزبندی در فضای تصویر سازی اجتماعی - فرهنگی در زبان، موضع بسیار قاطعی دارد که مؤید نظر انسه است. او می‌گوید: «چون هر زبانی طبقه بندی خاص خود را بر تجربه احساسی انسان تحمیل می‌کند، کلمات انگلیسی مانند خشم یا غم، ساخته‌های فرهنگی زبان انگلیسی هستند نه ابزارهای تحلیلی جدای از فرهنگ» (۱۹۹۸: ۷)

ورزبکا (۱۹۹۸) با اینکه «فرازبان معنایی مستقل از زبان»<sup>۲</sup> را به عنوان بخشی از رویکرد خود در مطالعه معنا در زبان مطرح می‌کند، اما به این حقیقت نیز اذعان دارد که «شیوه ای که مردم احساسات خود را تفسیر می‌کنند، تا حدی به شبکه واژگانی که توسط زبان مادری آنها ارائه شده بستگی دارد (۵، ۸-۹)». گلاتلی<sup>۳</sup> (۱۹۹۵: ۱۹۹) این موضع را با الهام از ورف<sup>۴</sup> به طرز شیوایی بسط داده و در بازنگری فرضیه سپیر- ورف<sup>۵</sup>، دیدگاه عمیق تری از این اصل ارائه می‌دهد: «عادات زبانی که در افراد ایجاد می‌شوند احتمالاً تابعی از اصطلاحات موجود نیستند، بلکه تابعی از شیوه‌های غیرزبانی و تصاویر ناشی از آنها هستند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که زبان به‌عنوان عامل ادراک و شناخت، پیوندی ناگسستنی با دیگر جنبه‌های فرهنگ دارد.» (۱۹۹۵: ۲۲۱)

---

1- Ansah

2- language-independent semantic metalanguage"

3- Gellatly

4- Whorf

5- Sapir-Whorf

۷۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

در پایان با بررسی داده‌ها مشخص می‌شود در زمینه استفاده از استعاره‌های مفهومی ابتدا صادق چوبک (فارسی) بیشترین تمایل، سپس نجیب محفوظ (عربی) و در پایان ویلیام فاکنر (انگلیسی) قرار دارند.

جدول ۴. فراوانی مفاهیم حوزه مبدأ در داستان‌های سنگ صبور، خشم و هیاهو و میرامار برای بیان مفهوم حوزه‌ی مفهوم خشم و هم‌چنین استعاره‌های معرفی شده توسط کوچش و استعاره‌های عام مربوط به این استعاره‌های خاص

استعاره خاص	کوچش	سنگ صبور	خشم و هیاهو	میرامار	استعاره عام
خشم شیی، وسیله و دارایی است	---	۱۸	۷	۹	احساسات، شیی هستند
خشم تغییر حالت بدن است	---	۴	۳	۶	احساسات، نیرو هستند
خشم ظرف / مکان است	---	۳	۴	۳	احساسات، شیی هستند
خشم حیوان در بند است	*	۱	۳	---	احساسات، شیی هستند
خشم دشمن در میدان نبرد است	*	۲	۱	---	احساسات، نیرو هستند
خشم مایع / ماده در ظرف است	*	۳	-----	۱۰	احساسات، شیی هستند
عضو بدن ظرف خشم است	---	۱	---	۴	احساسات، شیی هستند
خشم گرما است	*	---	۲	۵	احساسات، نیرو هستند
خشم نیروی طبیعی / عامل است	*	---	۱	۵	احساسات، نیرو هستند
خشم حصار / مانع است	*	---	۳	۲	احساسات، شیی هستند
خشم دیوانگی است	*	---	۸	۵	احساسات، نیرو هستند
صدا ظرف خشم است	---	---	۶	۶	احساسات، شیی هستند
خشم گرما است	---	---	۲	۵	احساسات، نیرو هستند
خشم برتری اجتماعی است	*	۳	---	---	احساسات، نیرو هستند
خشم آزار فیزیکی است	*	۲	---	---	احساسات، نیرو هستند
فرد خشمگین، ماشین در حال کار است	*	۱	---	---	احساسات، شیی هستند
خشم حیوان وحشی است	---	۱	---	---	احساسات، شیی هستند
خشم ساختمان است	---	۲	---	---	احساسات، شیی هستند
خشم آلودگی است	---	۱	---	---	احساسات، شیی هستند
خشم سفر است	---	۱	---	---	احساسات، شیی هستند

خشم بیماری است	---	---	۱	---	احساسات، نیرو هستند
خشم موجود ماورالطبیعه	---	---	۱	---	احساسات، شیئی هستند
خشم تجاوز است	*	---	---	---	احساسات، نیرو هستند
رفتار فرد خشمگین، رفتار حیوان مهاجم است	*	---	۵	---	احساسات، شیئی هستند

### نتایج مقاله

همان گونه که داده‌های پژوهش نشان می‌دهند در داستان سنگ صبور چهارده حوزه مبدأ برای بیان مفهوم خشم (حوزه مقصد) شناسایی شدند که به ترتیب فراوانی حوزه مفهومی «شیئی یا وسیله، تغییر حالت بدن، برتری اجتماعی، مایع / ماده در ظرف، ظرف، آزار فیزیکی، ساختمان، دشمن در میدان نبرد و حیوان در بند، سفر، آلودگی، عضو بدن ظرف خشم، حیوان وحشی، فرد خشمگین ماشین در حال کار» شناسایی شدند. در داستان خشم و هیاهو هشت حوزه مبدأ شناسایی شدند که به ترتیب فراوانی شامل «دیوانگی، شیئی، صدا ظرف خشم، حیوان وحشی، ظرف یا مکان، تغییر حالت بدن، حیوان در بند و حصار، گرما، دشمن در میدان نبرد، نیروی طبیعی، موجود ماورا الطبیعه و بیماری» هستند. در داستان میرامار، مشخص شد که نویسنده برای بیان مفهوم حوزه ی مقصد «خشم» از ده حوزه ی مبدأ استفاده کرده است که به ترتیب فراوانی شامل «مایع / ماده در ظرف، شیئی یا وسیله، صدا ظرف خشم و تغییر حالت بدن، گرما، نیرو و دیوانگی، چشم ظرف خشم، خشم ظرف است و حصار» می‌باشند. یکی از پربسامدترین حوزه های مبدأ مشترک بین این داستان‌های ادبی «شیئی (وسیله / دارایی)» می‌باشد که به جهانی بودن استعاره مفهومی حوزه خشم در سطح استعاره های عام «احساسات، شیئی هستند» اشاره دارد.

البته تفاوت های قابل ملاحظه ای بین سایر استعاره های بکار رفته در این سه داستان دیده می‌شود که اشاره به فرهنگ ویژه بودن زبان دارد. در تفسیرهای خاص زبانی ای که از شباهت ها و تفاوت های مفهوم سازی ارائه می‌شود، نقشی که فرهنگ در مفهوم سازی مفاهیم احساسات ایفا می‌کند قابل توجه است چراکه به طور اصولی، شناخت فرهنگی مبتنی بر برجستگی های اجتماعی - فرهنگی است. به عبارت دیگر مرزبندی در فضای تصویر سازی اجتماعی - فرهنگی در زبان، تابعی است از

طبقه بندی های خاص همان زبان که بر تجربه ی احساسی انسان تحمیل می شود. به این دلیل باید پذیرفت که مثلاً کلمات انگلیسی مانند خشم یا غم، ساخته های فرهنگی زبان انگلیسی هستند نه ابزارهای تحلیلی جدای از فرهنگ. به تبعیت از این اصل باید گفت که شیوه ای که مردم احساسات خود را تفسیر می کنند، تا حدی به شبکه ی واژگانی که توسط زبان مادری آنان ارائه شده بستگی دارد. از منظری دیگر می توان دانست که عادات زبانی نیز تابعی از شیوه های غیر زبانی مانند شیوه های فرهنگی و تصاویر ناشی از آنهاست و زبان به عنوان عامل ادراک و شناخت، با جنبه های مختلف فرهنگ پیوند ناگسستنی دارد.



استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ صبور... ۷۷\|\|

### کتابشناسی

- ابراهیمی، ب. عامری، ح. ابوالحسنی چیمه، ز. (۱۳۹۸). **تحلیلی استعاری زبانشناختی بر ضرب‌المثل‌های حوزه‌ی احساسی خشم در زبان‌های فارسی و ترکی**، فصلنامه‌ی ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. ۹(۳). ۱۷-۳۴.
- چوبک، صادق. (۱۳۶۹). **سنگ صبور**، چاپ جدید، شرکت کتاب، لوس آنجلس: ۱۳۶۹ براساس چاپ اول، تهران.
- خداپرستی، فرج‌الله. (۱۳۷۶). **فرهنگ جامع مترادف و متضاد زبان فارسی**، دانشنامه‌ی فارس: شیراز.
- روحی، م. روشن، ب. راسخ مهند، م. (۱۳۹۷). **بررسی استعاره‌های خشم در زبان‌های فارسی، کردی و گیلکی در چهارچوب شناختی**، زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، سال سوم. ۱(۵). ۳۱-۵۶.
- طیبیان. س.ح. (۱۳۸۷). **فرهنگ فرزانه فارسی - عربی**، فرزانه، تهران.
- فاکتر، ویلیام. (۱۳۹۷). **خشم و هیاهو**، ترجمه‌ی صالح حسینی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات نیلوفر.
- محموظ، نجیب. (۲۰۰۷). **میرامار**، قاهره، دارالشروق.
- همو. (۱۳۹۴). **میرامار**، ترجمه‌ی رضا عامری، تهران، دنیای اقتصاد.
- ملکیان، م. ساسانی، ف. (۱۳۹۳). **مفهوم‌سازی خشم در زبان فارسی**، پژوهش‌های زبان‌شناسی، (۱۱) ۵۶-۶۶.

۳۷

Ansah, Gladys Nyarko. (2014). Culture in embodied cognition: Metaphorical/metonymic conceptualizations of FEAR in Akan and English. *Metaphor and Symbol*, 29 (1): 44-58.

Abbasvandi, M. & Mojtaba. (2013). A contrastive socio-pragmatic analysis of anger metaphors in English and Persian. *European Online Journal of Natural and Social Sciences* 2(2). 50-58.

Albufalasa, M. & Vorobeveva, Y. (2020). Realizations of Conceptual Metaphors of ANGER in Arabic, Russian and English: A Contrastive Corpus-Based Approach. *International Journal of English Linguistics*. 10. 264. 10.5539/ijel.v10n6p264.

Barcelona, A., & Soriano, C. (2004). Metaphorical conceptualization in English and Spanish. *European Journal of English Studies*, 8(3), 295-307.

<http://dx.doi.org/10.1080/1382557042000277403>

Constantinou, M. (2014). Conceptual metaphors of Anger in popularized scientific texts: A contrastive (English/Greek/French) cognitive-discursive approach. *Linguistic approaches to emotion in context*. John Benjamins Publishing Company.

Crisp, P., Gibbs, R., Deignan, A., Low, G., Steen, G., Cameron, L., Semino, E., Grady, J., Cienki, A., & Kövecses, Z. (The Pragglejaz Group). (2007). MIP: A method for identifying metaphorically used words in discourse. *Metaphor and Symbol*, 22(1), 1-39.

Deignan, A. (2005). *Metaphor and corpus linguistics*. Amsterdam: John Benjamins.

Ekman, P. (1999). Basic emotions. In T. Dalgleish & M. J. Power (Eds.), *Handbook of cognition and emotion* (pp. 45-60). John Wiley & Sons Ltd.

<https://doi.org/10.1002/0470013494.ch3>

Esenova, O. (2011). *Metaphorical Conceptualization of Anger, Fear & Sadness in English*, Summary of PhD Thesis, Linguistic Doctoral School, Budapest.

Faulkner, W. (1995). *The Sound and the Fury*. London, England: Vintage Classics.

Geeraerts, D. & Grondelaers, S. (1995). Looking Back at Anger: Cultural Traditions and Metaphorical Patterns. In: J. Taylor and R. MacLaury (ed.), *Language and the Cognitive Construal of the World*. Berlin: Mouton de Gruyter, 153-179.

Gevaert, C. (2001). Anger in Old and Middle English: A 'Hot' Topic? In: *Belgian Essays on Language and Literature*, 89-101.

Gevaert, C. (2005). The ANGER IS HEAT Question: Detecting Cultural Influence on the Conceptualisation of Anger through Diachronic Corpus Analysis. In: N. Delbecque, J. van der Auwera & D. Geeraerts (eds.), *Perspectives on Variation: Sociolinguistic, Historical, Comparative* [Trends in Linguistics. Studies and Monographs 163]. Berlin: Mouton de Gruyter, 195-208.

Gibbs, R. (1994) *The Poetics of Mind: Figurative Thought, Language, and Understanding*. Cambridge: Cambridge University Press.

Keysar, B. & Martin B. B. (1999). Swimmers against the current: Do idioms reflect conceptual structure? *Journal of Pragmatics* 31(12). 1559-1578.

Kövecses, Z. (1986) *Metaphors of Anger, Pride, and Love: A Lexical Approach to the Structure of Concepts*. Amsterdam-Philadelphia: John Benjamins.

Kövecses, Z. (1990). *Emotion concepts*. Berlin and New York: Springer-Verlag.  
<http://dx.doi.org/10.1007/978-1-4612-3312-1>

Kövecses, Z. (1995) "Anger: Its Language, Conceptualisation and Physiology in the Light of Cross-Cultural Evidence". In: J.R Taylor & R.E. MacLaury (eds.), *Language and the Cognitive Construal of the World*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter, 181-196.

Kövecses, Z. (2000a) *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. New York: Cambridge University Press.

Kövecses, Z. (2000b) "The Concept of Anger: Universal or Culture Specific?" *Psychopathology*, 33 (4), 159-170.

Kövecses, Z. (2003). Metaphor and linguistic expressions. In Z. Kövecses (2005) *Metaphor in Culture Universality and Variation* (pp. 130-140). Cambridge: Cambridge University Press.

Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in culture: Universality and variation*. New York and Cambridge: Cambridge University Press.

Kövecses, Z. (2006) Embodiment, Experiential Focus, and Diachronic Change in Metaphor. Paper presented at the 2005 Symposium on New Approaches in English Historical Lexis. In: R.W. McConchie, O. Timofeeva, H. Tissari & T. Säily (eds.), *Selected Proceedings of the 2005 Symposium on New Approaches in English Historical Lexis (HEL-LEX)*. Cascadilla Proceedings Project, Somerville, MA, USA, 1-7.

Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.

Lakoff, G. (1987) *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.

Lakoff, G. & Turner, M. (1989). *More Than Cool Reasons*. Chicago: University of Chicago Press.

Lakoff, G. (2008). *The Political Mind: Why You Can't Understand 21st Century Politics with an 18th Century Brain*. New York: Viking.

Lindquist, K. et al. (2012). The brain basis of emotion: A meta-analytic review. *Behavioral and Brain Science* 35(3).121-143. <https://doi.org/10.1017/S0140525X11000446>.

Matsuki, K. (1995). Metaphors of anger in Japanese. In J. Taylor & R.E. Maclaury (Eds.), *Language and the Cognitive Construal of the World* (pp.137-151). Berlin: Mouton de Gruyter.

Mohammadi, S., Abdi, S., Sorahi, M., ghaemi, M. (2021). *The analysis of cognitive metaphor` ANGER IS HEAT: A comparative study of Persian and Arabic languages*, 11(21), 177-198. doi: 10.22084/rjhll.2021.22923.2091

Musolff, A. (2019). Creativity in Metaphor Interpretation. *Russian Journal of Linguistics* 23(1). 23-39. <https://doi.org/10.22363/2312-9182-2019-23-1-23-39>

Musolff, A. (2021). Hyperbole and emotionalisation - escalation of pragmatic effects of metaphor and proverb in the Brexit debate. *Russian Journal of Linguistics* 25 (3). 628-644. <https://doi.org/10.22363/2687-0088-2021-25-3-628-644>

Pirzad Mashak, S. & Pazhakh, A. & Hayati, A. (2012). A Comparative Study on Basic Emotion Conceptual Metaphors in English and Persian Literary Texts. *International Education Studies*. 5. 10.5539/ies.v5n1p200.

Soriano, C. (2003). Some anger metaphors in Spanish and English. A contrastive review. *International Journal of English Studies* 3(2). 107-122.

Steen, G. J. (1999). From Linguistic to Conceptual Metaphors in Five Steps. In Gibbs, R. and G. J. Steen (1999). *Metaphor in cognitive linguistics* (pp. 57-77). Amsterdam: John Benjamins.

Tran, T. (2022). Universality vs. cultural specificity of anger metaphors and metonymies in English and Vietnamese idioms. *Russian Journal of Linguistics*. 26. 10.22363/2687-0088-24951.

Ungerer, F. & Schmid, H.J. (1996). *An Introduction to Cognitive Linguistics*. London and New York: Longman

Wierzbicka, A. (1998). 'Sadness' and 'anger in Russian: The non-universality of the so-called

## استعاره مفهومی حوزه‌ی خشم در داستان‌های سنگ‌صبور... ۸۱

'basic human emotions', in: Athanasiadou, A. & Tabakowska, E. (eds.) *Speaking of Emotions: Conceptualisation and Expression*, 3-28. Berlin: Mouton de Gruyter.

Wierzbicka, A. (2010). Cultural scripts and intercultural communication. In A. Trosborg (Ed.), *Pragmatics across Language and Cultures* (pp. 43-78). Berlin/Boston: De Gruyter.

Yu, N. (1995). Metaphorical expressions of anger and happiness in English and Chinese. *Metaphor and Symbolic Activity* 10(2). 59-92.

Yu, N. (1998). *The Contemporary Theory of Metaphor. A Perspective from Chinese*. USA: John Benjamins Publishing Company.